تحلیل

کبری آسوپار

سهم اصلاح‌طلبان از حکم حکومتی

حکم حبس شش ساله احمد منتظری با وساطت برخی مراجع نزد رهبری معظم انقلاب با گرفتن تعهد کتبی از وی تعلیق شد. این درخواست از رهبری برای اعمال اختیارات خاص ولی فقیه اولین بار نیست که توسط مخالفان وجود این اختیارات خاص صورت می‌گیرد. مخالفان قید مطلقه برای ولایت فقیه، بیشترین تقاضا را برای بهره بردن از اختیارات ناشی از این قید داشتند؛ اتفاقی که سرانجام یک روز در کلام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هم خطاب به این طیف بیان شد:«برخی از دوستانی که در این جلسه حضور دارند هر گاه به انتخابات‌ها نزدیک می‌شویم، مدام با یک ژست خاصی در شعارهایشان تبلیغ می‌کنند که اختیارات رهبری در چارچوب قانون اساسی است و رهبری در چارچوب قانون اساسی بایست عمل کند و اختیارات فراقانونی یا حکم حکومتی نداریم. جناب آقای خاتمی نیز وقتی سال ۷۶ می‌خواستند کاندیدای ریاست جمهوری شوند، آمدند پیش بنده و گفتند که بنده عقیده ام این است که رهبری بایست در چارچوب قانون اساسی عمل کند. بنده به ایشان گفتم بسیار مطلب خوبی است؛ ولی شما جناب آقای خاتمی کسی خواهی بود که در آینده بیشترین تقاضاها را برای استفاده از اختیارات فراتر از قانون اساسی رهبری جهت حل مشکلات کشور خواهید داشت. در طول سال‌های ریاست جمهوری، ایشان بارها نامه می‌زدند که فلان مطلب را تنها شما می‌توانید حل نمایید و بنده می‌نوشتم که با توجه به اینکه درخواست شما در چارچوب قانون اساسی نیست مکتوب بنویسید که موضوع از طریق اختیارات فراتر از قانون اساسی رهبری حل شود و ایشان بارها و بارها چنین مطلبی را مکتوب نمودند. شما ببینید این اختیارات رهبری در انتخابات‌های مختلف مثل تأیید انتخابات مجلس تهران یا تأیید صلاحیت کاندیدای ریاست جمهوری و... تاکنون به نفع چه جریانی بیشتر به کار گرفته شده است. در همین جمع اکثر دوستان در زمان تصدی خود بر پست‌های مختلف در مواقع بحرانی کشور، همین درخواست‌ها را بصورت مکتوب برای استفاده از اختیارات رهبری داشته‌اند ولی چرا هر وقت انتخاباتی می‌شود، مدام تکرار می‌کنید که حکم حکومتی نداریم و...»

این سخنان رهبر معظم انقلاب در جلسه ۲۶ خرداد ۸۸ با نمایندگان کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری دهم همه مشی مخالفان حکم حکومتی و اختیارات فراقانونی ولی فقیه را در برابر این احکام نشان می‌دهد؛ «رد و نقد در حرف و استفاده در عمل» دوگانه متناقضی است که البته در حجم بالای تناقضات حرف و عمل اصلاح‌طلبان گم شده است. در همین زمینه مواردی از استفاده اصلاح‌طلبان از حکم حکومتی را مرور می‌کنیم. اصلاح‌طلبان برای مخالفت با حکم حکومتی همیشه حکم حکومتی برای توقف طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس ششم را مثال می‌زنند، اما استفاده‌هایشان از حکم حکومتی را سانسور می‌کنند.

■ درخواست ابطال انتخابات ریاست جمهوری دهم

همان روز ۲۶ خرداد ۸۸ نمایندگان کاندیدای اصلاح‌طلب رفته بودند تا از رهبری درخواستی داشته باشند که جز با حکم حکومتی انجام نمی‌شود؛ ابطال انتخابات. اصلاح‌طلبان که دیدند سندی مبنی بر تقلب در انتخابات در دست ندارند، مثل همه وقت‌های دیگری که به بن بست می‌رسیدند، خواهان حل موضوع از مسیر اختیارات خاص ولی فقیه شدند؛ بدعتی غیرقانونی که رهبری معظم صریحاً اعلام کردند زیر بار آن نخواهند رفت: «شما از بنده می‌خواهید بدون در نظر گرفتن شورای نگهبان و چارچوب‌های قانونی، شورایی را فراتر از آنچه در قانون اساسی آمده، جهت حکمیت شکل دهم. نخیر بنده نظرم این است که بر اساس همان چیزی که خودتان مدام در ایام انتخابات‌های مختلف تبلیغ می‌کنید عمل شود و بایست همه گروه‌ها در چارچوب قانون عمل نمایند. راه حل مسئله رجوع معترضین به شورای نگهبان است... یک مطلبی هم راجع به ابطال انتخابات بگویم که دیگر هیچ وقت چنین مطلبی را تکرار نکنید. اگر امروز تمام دنیا نیز روبه‌رویم جمع شوند و بایستند و بگویند انتخابات باید ابطال شود، بنده هرگز زیر بار نخواهم رفت. ابطال انتخابات تودهنی به مردم است و بنده به هیچ عنوان از حقوق مردم کوتاه نخواهم آمد.» برخی اصلاح‌طلبان حاضر در جلسه حتی بر صلاحیت نداشتن رئیس جمهور منتخب اصرار می‌کنند که رهبری بحث را مربوط به جای دیگر می‌دانند و آن را هم قبول نمی‌کنند.

■ مجلس ششم و انتخاباتی که با حکم حکومتی از ابطال نجات یافت

انتخابات مجلس ششم اولین انتخاباتی بود که دولت اصلاحات برگزار کرد؛ بهمن ۷۸؛ انتخاباتی که با موج گسترده پیروزی اصلاح‌طلبان در سراسر کشور همراه شد و در تهران هم لیدرهای اصلاح‌طلب با رأی بالا وارد مجلس شدند. فقط یک اشکال کوچک! بروز یافت؛ کشف تقلب‌های گسترده در انتخابات تهران توسط شورای نگهبان. مصطفی تاج زاده آن روزها رئیس ستاد انتخابات کشور بود و تقلب ۷۸ در کارنامه او ثبت شد. در پی این تخلفات گسترده که «مغایرت تعداد تعرفه‌ها و برگ‌های رأی، وجود آرایی بدون مهر نظارت نیستند، آرایی با دو خط، پارگی لفاف صندوق‌ها و...» را شامل می‌شد، دبیر شورای نگهبان در نامه‌ای به رهبری اعلام کرد که شورای نگهبان نمی‌تواند صحت انتخابات تهران را تأیید نماید و از ایشان تقاضای راهنمایی کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در پاسخ، در حکمی حکومتی دستور دادند تا ضمن آنکه شورای نگهبان با ابطال صندوق‌های مخدوش نتیجه انتخابات حوزه انتخابیه تهران را در صندوق‌های باقی مانده اعلام کند، دستگاه قضایی و سازمان بازرسی کل کشور، عاملان تخلف در صندوق‌های مخدوش را شناسایی و تحت تعقیب قانونی قرار دهند. (مصطفی تاج‌زاده به دلیل معاونت در مخدوش کردن رأی مردم و دخالت غیرقانونی و مستقیم در انتخابات، به یک سال حبس و شش ماه انفصال از عضویت در هیئت‌های اجرایی و نظارت و شعب اخذ رأی و در مورد اتهامی دیگر به ۹ ماه انفصال از خدمات دولتی و همچنین به جهت تخطی از قانون انتخابات و سوءاستفاده از موقعیت شغلی و ممانعت از نظارت شورای نگهبان به ۳۰ ماه انفصال از خدمات دولتی محکوم شد.) یعنی آنکه انتخابات مجلس ششم با حکم حکومتی رهبری از ابطال گریخت و امثال بهزاد نبوی و محمدرضا خاتمی و محسن آرمین و... بر کرسی‌های آن تکیه زدند.

■ جلوگیری از استیضاح وزیر دولت اصلاحات

بهمن ۸۳ در حالی که دولت خاتمی ماه‌های پایانی خود را می‌گذراند، نمایندگان مجلس هفتم تصمیم به استیضاح وزیر آموزش و پرورش گرفتند و در حالی که همه چیز برای برگزاری جلسه استیضاح آماده بود، رهبر انقلاب در نامه‌ای به رئیس مجلس وقت استیضاح وزیران در ماه‌های پایانی دولت را بی‌سود و حتی زیان‌های محتمل آن را بسیار و خطراتش را هشداردهنده دانستند. بدین ترتیب وزیر اصلاح‌طلب از استیضاح مجلس هفتم راه مفری یافت.

■ تأیید صلاحیت کاندیداهای اصلاح‌طلب در انتخابات ریاست جمهوری

در انتخابات ریاست جمهوری نهم در سال ۸۴ با رد صلاحیت مصطفی معین و محسن مهرعلیزاده اصلاح‌طلبان عملاً کاندیدایی در انتخابات نداشتند. حدادعادل که در آن زمان رئیس مجلس بود طی نامه‌ای به رهبر انقلاب خواستار تجدیدنظر در این موضوع شد که رهبری نیز در پاسخ، موافقت خود با این مسئله را اینگونه اعلام کردند:«از آنجا که مطلوب آن است که همه افراد کشور، از صاحبان سلایق گوناگون سیاسی فرصت و محال حضور در آزمایش بزرگ انتخابات را بیابند، لذا به نظر می‌رسد نسبت به اعلام صلاحیت آقایان دکتر معین و مهندس مهرعلیزاده تجدیدنظر صورت گیرد.» این حکم حکومتی باعث تجدید نظر شورای نگهبان در بررسی صلاحیت ثبت‌نام‌کنندگان و در نتیجه، تأیید صلاحیت معین و مهرعلیزاده شد.

■ عفو کرباسچی و عبدالله نوری

غلامحسین کرباسچی در مقام شهردار تهران با اتهامات مالی مواجه و در دادگاه محکوم شد. در حالی که او دوران مجازات حبس خود را می‌گذراند، محمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت در نامه‌ای به رهبری خواستار عفو باقی مانده دوران محکومیت وی شد که رهبر معظم انقلاب با تقاضای رئیس‌جمهور موافقت کردند. بعدتر در مورد عبدالله نوری که از قضا یکی از جرم‌های او توهین به رهبری بود، اتفاق مشابه افتاد و با درگذشت برادرش در سانحه تصادف، نمایندگان مجلس در نامه به رهبری خواستار عفو باقی مانده حبس وی شدند که مورد موافقت رهبری قرار گرفت.

حال آن تناقض قول و فعل در مورد حکم حکومتی که در آغاز مطلب گفتیم اصلاح‌طلبان به آن دچار هستند، ثابت شده است. همیشه در رد مطلق بودن ولایت فقیه سخنرانی می‌کنند، اما در عمل همیشه هم آویزان همین اطلاق هستند.

چهره‌ها

دولت باید سریعاً دوتابعیتی‌ها را عزل کند

عضو هیئت تحقیق و تفحص مجلس از وضعیت مسئولان دوتابعیتی با بیان اینکه دوتابعیتی‌ها همچنان مشغول کار هستند، گفت: دولت باید سریعاً این افراد را عزل کند.

محمدجواد ابطحی در گفت‌وگو با افکارنیوز با بیان اینکه براساس گزارش رسیده به هیئت تحقیق و تفحص مجلس از وضعیت افراد دوتابعیتی و دارای گرین کارت در حوزه مسئولان و مدیران ارشد و شناسایی خلأهای قانونی، تعدادی از مدیران، معاونان وزرا و مشاوران مقامات دوتابعیتی هستند، گفت: افراد دوتابعیتی همچنان در ادارات مشغول کار هستند و هیچ کس کاری به آنها ندارد. وی افزود: تحقیق و تفحص مذکور نه انتخاباتی است و نه سیاسی بلکه در راستای حفظ آبرو و حیثیت کشور است زیرا فردی که دارای تابعیت بیگانه است عملاً به کشور دیگر تعلق خاطر دارد نه ایران. ابطحی گفت: افراد دوتابعیتی طبق قانون شهروند ایرانی محسوب نمی‌شوند چراکه هر فرد ایرانی به تابعیت کشور دیگری درآید، تابعیت ایرانی وی لغو می‌شود و این فرد حتی نمی‌تواند کارمند ادارات دولتی باشد، چه برسد به اینکه مسئولیت هم داشته باشد. وی تصریح کرد: فرد دوتابعیتی هر وقت تخلف یا جرمی مرتکب شود، به راحتی می‌تواند از کشور فرار کند. نمونه بارز آن محمدرضا خاوری رئیس بانک ملی ایران است که به راحتی به کانادا رفت و هنوز برای مجازات به ایران برگشت داده نشده است. درخواست ما از دولت این است افراد دوتابعیتی را سریعاً عزل کند تا این افراد مشکلاتی برای کشور ایجاد نکنند. ابطحی اظهار امیدواری کرد تا گزارش این هیئت تحقیق و تفحص در شش ماه اول سال آینده آماده و تحویل هیئت رئیسه مجلس شود.

جبهه‌های سیاسی نیاز به اخذ مجوز ندارند

معاون سیاسی وزارت کشور با اشاره به فعالیت جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی گفت: احزاب سیاسی جهت فعالیت در قالب جبهه نیاز به اخذ مجوز ندارند.

به گزارش تسنیم، علی‌اصغر احمدی دیروز در حاشیه جلسه ستاد انتخابات کشور و در جمع خبرنگاران، درباره فعالیت جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی، گفت: احزاب سیاسی جهت فعالیت در قالب جبهه نیاز به اخذ مجوز ندارند. وی افزود: براساس قانون احزاب، احزاب دارای مجوز جهت فعالیت در قالب جبهه باید موضوع را به اطلاع دبیرخانه کمیسیون احزاب برسانند. وزارت کشور با فعالیت هر کدام از احزابی که شناسنامه معتبر دارند، مشکلی ندارد. معاون سیاسی وزیر کشور با اشاره به آمادگی وزارت کشور برای برگزاری انتخابات به صورت الکترونیکی، اضافه کرد: در حال حاضر حدود ۳۵ هزار صندوق الکترونیکی داریم که این صندوق‌ها قابلیت اخذ، خواندن و شمارش آرا را دارد. از این تعداد حدود ۴ الی ۵ هزار صندوق باید رزرو شود تا چنانچه روند اخذ رأی با مشکلاتی مواجه شد، امکان جایگزینی فراهم شود. احمدی گفت: پیش‌بینی ما بر این است که از مجموع ۶۵ هزار شعبه اخذ رأی، ۱۰ هزار شعبه می‌توانند به صورت الکترونیکی فرآیندها را انجام دهند. وی خاطرنشان کرد: ما پیشنهاد خود را برای برگزاری انتخابات به صورت الکترونیکی در تعداد شعبی قابلیت این کار را دارند به شورای نگهبان ارائه داده‌ایم و چنانچه که این شورا اعلام نظر کند، می‌توانیم انتخابات ریاست‌جمهوری را نیز به صورت الکترونیکی برگزار کنیم.

گزارش ۲ | محمد اسماعیلی

احساس خودکوچک‌بینی روی دیگر ابزار ضعف در برابر دشمن

ضعف و زبونی راه را برای نفوذ دشمن می‌گشاید

«ابراز ضعف و زبونی» توسط برخی مسئولان ارشد کشور را باید روی دیگر «روحیه ما نمی‌توانیم» معنا کرد؛ روحیه‌ای که بیش از سه سال است بر امور اجرایی کشور سایه‌افکنده و نگاه توسعه برون‌زا را تئوریزه و هزینه‌های فراوانی را به جامعه تحمیل کرده است.

هزینه‌های فراوان چنین روحیه‌ای را رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار روز دوشنبه خود مورد نقد قرار دادند و فرمودند: «جنگ تحمیلی به‌خاطر این اتفاق افتاد که دشمن در ما احساس ضعف کرد. اگر دشمن بعثی و محرکینش خاطرجمع نبودند که سر چند روز به تهران خواهند رسید - آنها این‌جوری فکر می‌کردند- این جنگ انجام نمی‌گرفت؛ آنها در ما احساس ضعف کردند. احساس ضعف شما، موجب تشویق دشمن به حمله به شماست، این یک قاعده کلی است.» ایشان در ادامه راهکار دفع چنین آسیبی را نیز طرح می‌کنند و می‌فرمایند: «اگر می‌خواهید دشمن را از تهاجم به خودتان منصرف کنید، سعی کنید اظهار ضعف نکنید. نمی‌گویم به دروغ بگوییم قوی هستیم، [بلکه] می‌گویم قوت خودمان را آشکار کنیم. ما نقاط قوت زیادی داریم، این نقاط قوت را آشکار کنیم. در زمینه اقتصادی هم همین‌جور است، در زمینه فرهنگی هم همین‌جور است.»

این در حالی است که طی ماه‌های گذشته بارها برخی از وابستگان دولت ضمن یأس‌آلود توصیف کردن شرایط فعلی، وقوع جنگ را قریب‌الوقوع و تنها راه خلاصی از مشکلات اقتصادی را میز مذاکره و کوتاه آمدن در برابر زیاده خواهی غربی‌ها عنوان کردند. گاه فراتر از احساس خودکوچک‌بینی که در برخی از مواضع مشهود و ملموس است، توهین به شخصیت‌های برجسته نظام هم مشاهده شده است؛ آنجا که اصل اسلامیت نظام با نیش و کنایه برخی از مسئولان زیر سؤال رفته است.

■ مصادیق احساس ضعف و ناتوانی

به عنوان نمونه حجت‌الاسلام علی یونسی، دستیار رئیس‌جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های مذهبی در سال ۹۳ بیان می‌کند: «اگر من آخوند و آن خاخام‌بگذاریم، همه مردم خوب با هم زندگی می‌کنند...، عده‌ای خیال می‌کردند نماد شیر و خورشید در میان پرچم ایران یک نماد سلطنتی است اما اینگونه نیست. شیر نماد حضرت علی(ع) و خورشید نماد حضرت محمد(ص) است و تنها تاجش مربوط به شاه بود. اگر به من باشد، هلال احمر را تغییر می‌دهم و شیر و خورشید را جایگزین آن می‌کنم.» این اظهارات توهین‌آمیز که رگه‌هایی از احساس «ناتوانی» در تحقق شعارهای انقلاب قابل درک است در حالی است که حضرت امام می‌فرمایند: «... آرم‌های ایران نباید آرم‌های شاهنشاهی باشد، باید آرم‌های اسلامی باشد. از همه وزارتخانه‌ها، از همه ادارات، باید این «شیر و خورشید» منحوس قطع بشود، علم اسلام باید باشد. آثار طاغوت باید برود، اینها آثار طاغوت است، این تاج آثار طاغوت است، آثار اسلام باید باشد.»

تکه پراکنی وزیر اطلاعات دولت اصلاحات به اینجا ختم نمی‌شود و در ادامه مستقیماً برخی از رفتارهای ارزشی و انقلابی را به سخره می‌گیرد و هیئات عزاداری را اینگونه تخطئه می‌کند: «فرهنگ ایران عرفان طلب است و بیشتر روح دین و مذهب را طلب می‌کند تا ظواهر مناسک را، اما می‌بینیم که گاه سینه زنی را تا پاسی از شب انجام می‌دهند ولی زمان اندکی برای نماز اختصاص می‌دهند.»

اکبر ترکان، مشاور ارشد رئیس‌جمهور فرد دیگری است که اظهارات جهت‌دارش تا ماه‌ها خوراک تبلیغاتی رسانه‌های تجدیدنظرطلب و رسانه‌های بیگانه علیه حاکمیت اسلامی شد و زمینه ناتوانی نظام اسلامی توسط این جریانات را فراهم کرد. وی در بخشی از موضع‌گیری خود بیان می‌کند: «بگذارید با خود روراست باشیم، ما به جز پخت آبگوشت بزباش و قورمه‌سبزی در هیچ تکنولوژی صنعتی برتری نداریم» یا محمود سریع‌القلم، مشاور دیگر رئیس‌جمهور ناتوانی در تربیت جامعه را برجسته و رشد پوپولیسم را عامل عقب‌ماندگی کشور عنوان می‌کند: «تربیت عقلی در خانواده و مدرسه بسیار ضعیف است. در نتیجه ما احساسی، غریزی و پوپولیستی تربیت می‌شویم. صدا و سیمای ما هم متأسفانه به این جریان کمک می‌کند. از یک لبوفروش یا راننده تاکسی که تمام روز را سرگرم حل مشکلات معیشتی‌اش است، درباره جریان هسته‌ای نظرخواهی می‌کند.»

■ تحکیم «روحیه ما نمی‌توانیم»

«فقدان کرامت نفس» یا همان روحیه کوچک‌بینی را به‌وضوح می‌توان در جملع معروف «امریکا می‌تواند با یک بمب، تمام سیستم دفاعی ایران را از کار بیندازد» مشاهده کرد یا در جملات مشابه دیگری نظیر «خزانه کشور خالی است.»

تحکیم احساس خودکوچک‌بینی در برابر دشمن مقدمه‌ای اساسی برای تحمیل یک گزاره مهم به جامعه ایرانی بوده است و آن هموار کردن مسیر مذاکره و تعامل با نظام سلطه و رسیدن به توافقات مکتوب و رسمی است. تاجایی که به صورت گسترده و هدفمند نزدیک به ۴۳ ماه و با ادبیات مختلف به افکار عمومی داخلی این مسئله عنوان می‌شد که تکیه بر توان و ظرفیت‌های داخلی نمی‌تواند مشکلات اقتصادی و معیشتی جامعه را تقلیل و عبور از گردنه‌های پیش رو را ممکن کند.

تضعیف توان داخلی در حالی بود که رهبری معظم انقلاب اسلامی بارها طی ماه‌های اخیر بر لزوم توجه مسئولان به توسعه درون زا تأکید و تنها مسیر برای فائق آمدن بر مشکلات کشور را تمرکز برچنین محوری معنا کرده‌اند، آن هم در حالی که امروز پس از گذشت ۱۶ ماه از برجام نه تنها مشکلات کشور در پایین‌ترین سطح ممکن حل نشده بلکه حجم انبوهی از تحریم‌ها نیز در دوران پسا برجام اعمال شده است، به همین دلیل است که یکی از دستاوردهای خیالی برجام از سوی دولتمردان اینگونه عنوان شده: «با برجام قطعنامه‌های تهدیدآمیز را لغو کردیم» و تأکید شده اگر برجام نبود حمله نظامی به کشورمان قطعی بود!

از سوی دیگر تهدیدات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران طبق آمار رسمی به صورت فزاینده‌ای افزایش یافته و این بدان معناست که «بروز ضعف و ناتوانی در برابر دشمن» همانگونه که مقام معظم رهبری می‌فرمایند طمع دشمن به جمله نظامی را نیز افزایش داده است.

■ زبونی و نفوذ

با دقت در سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌توان دریافت که احساس زبونی و ضعف در برابر دشمن با نفوذ که یکی از نگرانی‌های جدی معظم‌له در طول سال‌های اخیر نیز بوده است، رابطه مستقیم دارد. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرمایند: «امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور. دنبال نفوذند. نفوذ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است، که البته کم‌اهمیت‌ترین آن نفوذ اقتصادی است و ممکن است که جزو کم‌اهمیت‌ترین [هم] نفوذ امنیتی باشد. نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست، اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی کم‌اهمیت‌تر است.»

هرچند دایره نفوذ به شدت فراخ و گسترده است و راهکارهای مواجهه با آن نیازمند اقدامات جامع اطلاعاتی و سیاسی است اما به رغم آن نمی‌توان نادیده گرفت که حلقه‌ای از نفوذی‌ها با مشاوره غلط به تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان مسیر پیش روی انقلاب اسلامی را ناهموار و غیرقابل عبور عنوان می‌کنند. به همین دلیل معظم‌له می‌فرمایند: «نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریتی یک کشور تحت‌تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن‌وقت همه تصمیم‌گیری‌ها در این کشور بر طبقِ خواست و میل و اراده مستکبرین انجام خواهد گرفت؛ یعنی مجبور می‌شوند. وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر طبق اراده آنهاست، آنها هم همین را می‌خواهند.»

گزیده خبر

بذرپاش:

مسئولی که میان مردم نباشد، مشکلات را نمی‌فهمد

نماینده سابق مجلس با بیان اینکه مادر همه چالش‌ها، چالش بی‌عزمی و بی‌همتی است، گفت: برخی مدیران، خسته از خدمت به مردمند ولی در به دست آوردن منافع نامشروع، بسیار با نشاط، برنامه‌ریز و پر تحرکند.

به گزارش فارس، مهرداد بذرپاش که دیروز در دانشگاه تهران و در نشست تخصصی چالش‌های انقلاب اسلامی، جوانان و کارآمدی سخنرانی می‌کرد، بیان داشت: نیرو و انگیزه ویژه جوان است که تحولات را رقم می‌زند. هر جوان نه تنها باید مسیر پیشرفت حرفه‌ای یا به عبارت دیگر نردبان حرفه‌ای خود را ترسیم و طراحی کند بلکه باید جایگاه خود را به عنوان یک عنصر اصلاحگر در سیستم نیز مشخص کند. وی ادامه داد: جرئت، شجاعت، صمیمیت و انگیزه عمیق عناصر، صفات و ویژگی‌های متداولی هستند که در قشر جوان یافت می‌شوند؛ جوانانی که شور، انگیزه و هیجان، ویژگی ذاتی دوره سنی آنهاست. عدم اکتفا به وضع موجود و تلاش برای ایجاد تحول از خصوصیات ویژه دوره جوانی است.

رئیس سابق سازمان ملی جوانان گفت: جوانان زیادی حاضرند در همه میدان‌های فعالیت‌های اجتماعی، در میدان مشارکت‌های گوناگون برای فقرزدایی، برای سازندگی و در هر صحنه و عرصه‌ای که برای آنها برنامه‌ریزی بشود و امکان داده بشود، شرکت کنند؛ این موقعیت بسیار مهمی برای این کشور است. این نسل، شبیه همان نسلی است که توانست یکی از بزرگ‌ترین تجربه‌های این کشور یعنی تجربه جنگ تحمیلی را با قدرت و موفقیت به پایان ببرد. بذرپاش اشاره داشت: باید جوان‌سازی مدیریت کشور در دستور کار قرار گیرد. امروز، نیاز به جوان کردن روش‌ها و فرآیندها، جوان کردن مقررات و جوان کردن بسیاری از مدیریت‌ها، بیش از پیش احساس می‌شود. وی ادامه داد: وقتی آقایان با دو ساعت کار روزانه راهی استخر می‌شوند و صرفاً کنترل از راه دور فعالیت می‌کنند خب معلوم است که چرخ جامعه درست نمی‌چرخد. وی همچنین تأکید کرد: عزت و اعتبار سال‌های کهنسالی در تربیت نسلی از مدیران جوان است نه اشغال صندلی ها. وی در ادامه بیان داشت: ۵۰ هزار کودک کار در کشور داریم که با غیرت و عزت جوان ایرانی سنخیت ندارد ولی برای بعضی‌ها موضوعی عادی و پذیرفته شده است. وی با اشاره به نزدیک شدن به شب عید و وضعیت بازارهای کشور بیان کرد: جمعیت دستفروش‌ها در کشور چیزی حدود ۵۰۰ هزار نفر است در حدود ۹۰ درصد آنها دستفروشی تنها شغل‌شان است. بذرپاش در ادامه گفت: حدود ۴۰ درصد از این دستفروش‌ها به خاطر تعدیل و ورشکستگی به این کار روی آورده‌اند. وقتی مسئول دولتی در بین مردم نباشد، نمی‌تواند دستفروشی که با سختی در کنار خیابان یا در مترو کار می‌کند و معلوم است خود قبلاً دارای کسب و کار مستقلی بوده یا در کارخانه‌ای مشغول فعالیت بوده است را بفهمد و درک کند.

رصد

■ دولت از خود راضی!

وطن امروز

وطن امروز در مطلبی نوشت: «ایرانیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره مسئولان را از خودشان و خدمتکار انقلاب و اسلام دانسته‌اند و به واسطه این شکل کم‌نظیر از روابط صمیمانه، آستانه تحمل مشکلات متنوع اقتصادی و اجتماعی در جامعه بالا رفته است. با حذف شاخصه «مردم‌گرایی» و پایبندی به ارزش‌های انقلاب اسلامی از قاموس مسئولیت در ایران، طبیعی است کارنامه مدیر ایرانی نیز مطابق ارزش‌های لیبرالیستی ارزیابی شود. اصولاً در چنین سیستمی فداکاری جامعه در مواجهه با کمبودها و مشکلات متنوع فاقد توجیه است، چراکه اصل بر مادی‌گرایی و محاسبه امکانات اقتصادی و اجتماعی است. به نظر می‌رسد تغییر اخلاق سیاسی مدیران دولت یازدهم و حتی گروه‌هایی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که از خاستگاه سیاسی مشترکی با کابینه دکتر روحانی برخوردارند، در نحوه ارزیابی کارنامه آنها نیز مؤثر بوده، به نحوی که مردم توانایی ارتباط برقرار کردن با مسئولان دولتی و مجلسی را تا حدی از دست داده‌اند. دولت به نحو غیرقابل توجیهی «ازخودراضی» است و مردم اصرار دارند با سبک مدیریت از بالا در دوره پساانقلاب نمی‌توانند کنار بیایند و چشم بر اشرافی‌گری، اختلاس، تبعیض اجتماعی، فساد اداری و بی‌توجهی به مشکلات اقشار مختلف جامعه ببندند. در حقیقت ادبیات سیاسی مردم کماکان منطبق بر شعارهای انقلاب اسلامی در مبارزه با فقر و فساد و تبعیض است و مطابق همین ارزش‌ها از دولت‌ها کارنامه طلب می‌کنند اما فضای سیاسی مدیریت جامعه میل شدیدی به سمت ارزش‌های غربی همچون «توسعه بدون محاسبه»، «حمایت از سرمایه‌گذار خارجی»، «راحت‌طلبی غیرمسئولانه» و «لوکس‌اندیشی تبعیض‌آمیز» داشته است.»

■ اگر ضربه‌گیر کنار نکشد...

آفتاب

روزنامه آفتاب یزد همچنان بحث نامزدی ضربه گیر برای حسن روحانی را داغ نگه می‌دارد. این روزنامه در بخشی از گزارش خود می‌نویسد: «بسیاری از کنشگران سیاسی بر این باورند که استفاده از اصطلاح «ضربه‌گیر» برای کسی که قرار است به خاطر منافع ملی و در راستای پیروزی حسن روحانی در معرض دید افکار عمومی قرار بگیرد و پس از پایان مناظرات در چند قدمی رسیدن به قدرت، رینگ مبارزات را ترک کند، مناسب نیست، از همین رو، عنوان نامزدی «حمایتی» را روی او نهاده‌اند. به هر روی، آنطور که از قرائن برمی‌آید، این نامزد حمایتی حسن روحانی قرار است از میان پاستورنشینان برگزیده شود؛ یکی از همقطاران روحانی که به سیاست‌های مأخوذه دولت تدبیر و امید به خوبی آگاهی دارد و می‌تواند از دستاوردهای دولت روحانی همچون برجام دفاع کند و از مصائب و مشکلاتی که برسر راه دولت یازدهم قرار داشته سخن بگوید و سپری باشد در برابر تیراندازی‌های اصولگرایان و پس از پایان مجادله‌های انتخاباتی هم رینگ رقابت‌ها را به نفع حسن روحانی ترک کند.»

آفتاب یزد البته نگرانی خود را از کنار نکشیدن نامزد پوششی به دلیل حس کردن بوی قدرت پنهان نمی‌کند: «زمانی که نامزد حمایتی حسن روحانی پیش از شروع رأی‌گیری، بوی قدرت را استشمام کند و از عرصه رقابت‌ها کناره‌گیری نکند، موجب فروپاشی مجسمه اتحاد اصلاح‌طلبان و حامیان دولت می‌شود که در چنین شرایطی نه تنها جایگاه اجتماعی خود را از دست می‌دهد و به مهره‌ای سوخته تبدیل می‌شود که از میزان آرای حسن روحانی می‌کاهد و اصلاح‌طلبان و حامیان دولت را هم همراه با خود به ورطه نابودی می‌کشاند چراکه نامزد واحد اصلاح‌طلبان حسن روحانی است و نامزد حمایتی اگر به تکاپو هم بیفتد رأی قابل توجهی را کسب نخواهد کرد.»

■ آقای دوربینی مجلس نمی‌خواهد مشکلات مردم را ببیند

کیهان

کیهان در خبری ویژه به نامه اخیر علی مطهری به رئیس مجلس خبرگان پرداخت و نوشت: علی مطهری در جلب توجهی تازه به رئیس مجلس خبرگان نامه نوشت و خواستار قرار دادن موضوع حصر سران فتنه در دستور کار این مجلس شد. وی در این نامه به آیت‌الله جنتی، مدعی شده حصر سران فتنه، «خلاف اصول سی‌ودوم تا سی‌وهفتم قانون اساسی است.» مطهری در حالی به بهانه حصر سران فتنه هر چند وقت یک‌بار خودنمایی و جلب توجه می‌کند که در موضوعات مهم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مبتلا به مردم غالباً سکوت اختیار کرده است. به عنوان مثال در حالی که وی در طول این چند سال برای فتنه‌گران حاضر در آشوب نیابتی دشمن دلسوزی کرده، کمترین اهتمامی در زمینه پیگیری حقوق‌های نجومی مدیریت اشرافی، فساد ۱۲ هزار میلیاردی در صندوق ذخیره فرهنگیان، زیان چند هزار میلیاردی سهامداران بانک‌های تحت نظر مدیران نجومی منسوب به دولت (ملت، تجارت و...)، آسیب‌های گسترده ریزگردها و سیل، تعطیلی ۶۰ درصد ظرفیت تولید و تشدید رکود و بیکاری در دوره پسابرجام، گسترش بی‌سروصدای تورم، تشدید مشکل مسکن مردم و دهن‌کجی دولتمردان به مسکن مهر و... دهها مشکل از این قبیل نداشته است. جالب اینکه وی اولین‌بار با اصرار احمدی‌نژاد در لیست نامزدهای مجلس قرار گرفت و به مجلس راه یافت. او اکنون یکی از وکیل‌الدوله‌های مجلس به شمار می‌رود، البته طبیعتاً از افراد نباید تکلیف مالایطاق داشت، چه اینکه مطهری پس از اعتراض به بی‌دقتی در بررسی و تصویب برجام جمله قصاری گفت که در تاریخ خواهد ماند، آنجا که گفت: «حتی ۲۰ دقیقه هم برای بررسی و تصویب برجام زیاد بود»! این در حالی است که برخی تعهدات برجام ۱۵ سال و بیشتر است. او همچنین انجام رزمایش نظامی و موشکی را موشک‌پرانی خوانده و کم‌عقلی توصیف کرده بود. این نکته هم گفتنی است که طبق طرح پیشنهادی فراکسیون امید «هر نوع سؤال به قصد جلب توجه در مراسم رسمی مستوجب شش ماه تا دو سال زندان است!»